

راهکارهای کسب معرفت النفس از دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی

فرشته عبداللہی*

چکیده

معرفت نفس یا خودشناسی در همه فرهنگ‌های بشری اهمیت دارد و در دین، حکمت، اخلاق و عرفان بر کسب راه‌های خودشناسی تأکید شده است. در قرآن نیز به راهکارهای دستیابی به معرفت نفس به عنوان برترین معرفت و کلید حکمت تأکید شده است. این آموزه قرآنی موجب شده حکما و عرفا موضوع معرفت نفس را به طور جدی پیگیری کنند، در این راستا از مهمترین تلاش‌های اندیشمندان اسلامی به ویژه در دوره معاصر، اهتمام ویژه به تبیین راهکارهای دستیابی به معرفت نفس می‌باشد و در این میان بررسی اندیشه‌های قرآنی علامه طباطبایی و آیه الله جوادی آملی جایگاه ممتازی دارد؛ از آنجا که تاکنون در خصوص راهکارهای دستیابی به معرفت نفس از دیدگاه این دو عالم بزرگوار پژوهشی انجام نگرفته بود، ضروری دانسته شد در این خصوص پژوهش انجام گیرد؛ لذا هدف اصلی از نوشتار حاضر که بر اساس روش توصیفی - تحلیلی نگارش یافته بررسی راهکارهای کسب معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی و آیه الله جوادی آملی می‌باشد که از جمله نتایج این پژوهش می‌توان به راهکارهای علامه طباطبایی در جهت کسب معرفت نفس با استفاده از آیات انفسی، شناخت قیوم و مقوم و... و راهکارهای علامه جوادی آملی از قبیل: شناخت وحیانی، شناخت با انسان و... اشاره نمود.

کلید واژه ها: راهکار، معرفت، نفس، معرفت النفس.

* دانش آموخته سطح دو، حوزه علمیه حضرت معصومه (س)، استان خوزستان، شهرستان اندیکا،

freshthbdalhy146@gmail.com

مقدمه

دعوت به معرفت نفس، از تعالیم اصلی بسیاری از مکاتب دینی، فلسفی و عرفانی بوده است. منظور از معرفت النفس شناخت حقیقت خویشتن و شناخت تمام ابعاد وجودی انسان است. معرفت نفس در شناخت و لقاء خداوند متعال و صعود نفس انسان از عالم مادی به عالم ماوراء نقش دارد و در تعالیم اسلامی عدم شناخت انسان، جهل به همه چیز دانسته شده است.

از منظر بسیاری از علماء، حکما و اندیشمندان دینی عوامل مختلفی از قبیل: عدم خودخواهی، عدم اشتغال فراوان به مسائل مادی و... سبب دستیابی به معرفت نفس می شوند؛ اما در این نوشتار به جهت رعایت اختصار تنها به دیدگاه های علامه طباطبایی و آیه الله جوادی آملی در خصوص راهکارهای دستیابی به معرفت نفس پرداخته می شود. علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی از بزرگترین متفکران معاصر اسلامی هستند که برای تبیین دستیابی به معرفت نفس علاوه بر اتکا به فلسفه و برهان، به قرآن و عرفان نیز نظر داشته اند. این دو عالم شیعی علاوه بر اینکه بر فلسفه و تفکر اسلامی احاطه دارند مفسر قرآن نیز هستند.

دغدغه و ضرورت انجام پژوهش در این است که برای معرفت نفس آثار و نتایجی ذکر شده، که خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی از جمله آنهاست. لذا باتوجه به آثاری که معرفت نفس برای انسان در پی دارد؛ همچنین از آنجا که سهم معرفت نفس برای دستیابی و شناخت کمال مطلق بسیار مهم است و کسی که خود را نشناسد راهی به سوی کمال ندارد، زیرا نفس انسان عین ربط به ذات واجب الوجود است، بنابراین ضروری است که راهکارهای رسیدن به معرفت نفس را از طریق مستندات قرآنی و دیدگاه های مفسرین برجسته شناخت و در این خصوص پژوهش انجام گیرد.

در خصوص پیشینه نظری موضوع می توان چنین گفت که فیلسوفان و اندیشمندان از دیرباز موضوع معرفت نفس را در کانون توجهات و تأملات خویش قرار داده‌اند. شاید بتوان ریشه‌های این

مبحث را در آثار سقراط جست‌وجو نمود ولی به لحاظ پیشینه تجربی موضوع تا کنون هیچ پایان نامه، مقاله و یا کتابی در خصوص راهکارهای دستیابی به معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی و جوادی آملی نوشته نشده؛ اما در خصوص ابعاد دیگری از معرفت نفس برخی مقالات و کتب وجود دارند که به علت رعایت اختصار به ذکر چند نمونه اشاره می‌شود: (۱) کتاب: «توحید در قرآن» تألیف: عبدالله جوادی آملی؛ (۲) کتاب «تفسیر المیزان (ج ۶ و ۱۸)» تألیف: محمد حسین طباطبایی، از جمله کتبی هستند که به معرفت نفس اشاره نمودند و مقالاتی از جمله: (۱) مقاله «بررسی دیدگاه علامه طباطبایی درباره معرفت نفس و رابطه آن با تهذیب و اخلاق» نوشته علیرضا کلبادی نژاد؛ و (۲) مقاله «انسان شناسی دینی در آثار و اندیشه جوادی آملی» نوشته مصطفی سامانی؛ وجود داشت؛ که وجه تمایز نوشتار حاضر با این کتب و مقالات این است که نوشتار حاضر درصدد بررسی دیدگاه های قرآنی علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی در خصوص راهکارهای دستیابی به معرفت النفس می‌باشد حال آنکه در پژوهش‌های فوق الذکر نه تنها این امر انجام نگرفته بلکه فقط به تعریف و تکامل نفس اشاره شده؛ اکنون سؤال اصلی پژوهش این است که از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی راهکارهای دستیابی به معرفت نفس چه هستند؟ محقق در صدد است که به این سؤال پاسخ دهد.

۱. مفهوم شناسی

در این قسمت از نوشتار مهمترین واژه های پژوهش از نظر لغوی و اصطلاحی تبیین می شوند.

۱-۱. راهکار: در لغت واژه «راهکار» کلمه ای ترکیبی است از «راه + کار» به معنای راه حل، پاسخ، جواب، شیوه نامه و روش حل مسائل و یا روش انجام کار است؛ در اصطلاح این واژه به معنای مسیر ها و راه‌هایی که در اختیار هست که برای رسیدن به هدف یا قصد و انگیزه‌ی انجام امور وجود دارد.^۱

^۱ - عمید، فرهنگ لغت عمید، ص ۲۶۵.

۱-۲. معرفت: کلمه «معرفت» در لغت از ماده «ع رف»^۱ به معنای مطلق آگاهی است، با لغاتی چون عَرَفَ، يَعْرِفُ، عِرْفَانًا،^۲ هم خانواده و مرادف کلماتی چون عِلْمٌ، بَصَرٌ، يَقِينٌ، فِقْهٌ، دِرَايَةُ، ثِقَافَةُ، خِبْرَةٌ، إِدْرَاكٌ است.^۳ برخی دیگر از معانی لغوی کلمه معرفت عبارتند از: عرفان نقیض جهل^۴، دانستن و شناختن^۵ و ادراک^۶؛ تعریف اصطلاحی معرفت عبارت است از: معرفت گاهی به معنای علمی است که نسبت به جزئیات از طریق حواس پنج گانه حاصل می شود و گاهی به معنای علم و ادراک نسبت به یک مفهوم جزئی و بسیط بدون وساطت حواس پنج گانه است؛ چنان که درباره خدا از عبارت «عَرَفْتُ اللَّهَ» استفاده می شود.^۷ همچنین معرفت حصول علم بعد از جهل است.^۸

۱-۳. نفس: واژه نفس از نظر لغوی، بیشتر به معنی ذات و حقیقت شی یا انسان آمده است^۹، «قتل فلان نفسه»^{۱۰}؛ یعنی ذات و حقیقت خودش را هلاک کرد. همچنین در لغت به معنی جان، روح و نشان دهنده زنده بودن است.^{۱۱} در تعریف اصطلاحی نفس آمده است که نفس به عنوان جهت دهنده حرکت و اندیشه انسان شناخته می شود و بسیاری از کردارها و رفتارهای انسان به پیروی از نفس او

^۱ - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۸۱

^۲ - ازهری، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۲۰۷.

^۳ - اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۲، ص ۲۲

^۴ - مهنا، لسان اللسان، ج ۲، ص ۱۶۱.

^۵ - زمخشری، مقدمة الأدب، ص ۹۷

^۶ - طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۹۶

^۷ - فیومی، المصباح المنیر، ص ۴۰۴

^۸ - حمیری، شمس العلوم، ج ۷، ص ۴۹۳

^۹ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۲۳۳.

^{۱۰} - ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ذیل «نفس».

^{۱۱} - دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه نفس.

شکل می‌گیرد. در تعریفی دیگر از نفس آمده است؛ نفس آن چیزی است که تعیین موجودیت می‌کند در ظاهر و باطن و نشانه اش این است که خواسته دارد.^۱

۲. تعاریف معرفت النفس از دیدگاه علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی

واژه «معرفت نفس» در قرآن به صراحت بیان نشده، اما علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی از مفسران معاصر شیعه، با توجه به مستندات قرآنی از قبیل آیه های «عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ»^۲؛ به خودتان بپردازید»، «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا... فِي أَنْفُسِهِمْ»^۳؛ به زودی نشانه‌های خود را... در دل‌هایشان به آن‌ها نشان خواهیم داد» و «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ، وَفِي أَنْفُسِكُمْ»^۴؛ و روی زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است و در خود شما» تعاریف و بحث‌های مرتبط با معرفت نفس را ذکر کرده اند و این آیات را ناظر به این موضوع دانسته‌اند.^۵ در این قسمت از نوشتار تعاریف هر کدام از دو علامه در خصوص معرفت نفس بیان می‌شود.

۲-۱. تعریف معرفت النفس از دیدگاه علامه طباطبایی

از دیدگاه علامه طباطبایی اشتغال به معرفت نفس و راه‌های دستیابی به آن از قدیم‌ترین اعصار جزء کارهای ارزشمند بوده است^۶، علامه طباطبایی در کتاب «نهایه الحکمه» در خصوص تعریف نفس

^۱ - سعیدی، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی، ص ۲۶۱.

^۲ - مائده ۱۰۵.

^۳ - فصلت ۵۳.

^۴ - ذاریات ۲۱.

^۵ - طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۱۶۵-۱۷۰؛ جوادی آملی، توحید در قرآن، ص ۱۴۵ و ۱۸۱.

^۶ - طباطبایی، همان کتاب، ج ۶، ص ۲۶۷.

علامه طباطبایی در کتاب «نهایه الحکمه» در خصوص تعریف نفس چنین می فرماید: «النفس هی الجواهر المجرد عن الماده ذاتاً، المتعلق بها فعل»^۱؛ نفس جوهری است که ذاتاً مجرد از ماده است ولی در مقام فعل به آن تعلق دارد». استاد جوادی آملی «معرفت نفس» را مقدمه‌ی خدا شناسی می‌داند و آن را اینگونه تعریف کرده است: «خودشناسی، تلفیقی از معرفت «ما هو» و شناخت «مَن هو» است. این تلفیق شاید برای برخی مایه‌ی اختلاط شود؛ لیکن نسبت به بعضی پایه‌ی ارتقا است»^۲.

۵-۲. نقاط افتراق

علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی در خصوص راهکارهای دستیابی به معرفت نفس دیدگاه‌های متفاوتی دارند علامه طباطبایی معتقد است که انسان از طریق مشاهده نشانه‌های انفسی و یا تدبر در آیاتی که در خصوص شناخت نفس هستند می‌تواند به معرفت نفس دست پیدا کند و همچنین انسان با شناخت قیوم و مقوم و یا از طریق تهذیب نفس و خودسازی و ریاضت در عبادات به معرفت نفس دست پیدا می‌کند اما علامه جوادی آملی مهمترین امر در شناخت نفس انسان را شناخت خدا یا شناخت و حیانی می‌داند و سپس انسان با شناخت هویت خود و به عبارتی از طریق هویت شناسی به معرفت نفس دست یابد علاوه بر این دو مورد علامه جوادی آملی وجود برخی لوازم و آثار راه را برای شناخت نفس ضروری می‌داند بعد از این موارد وجود بصیرت برای معرفت نفس نیز امری مهم محسوب می‌شود.

^۱ - طباطبایی، ترجمه بدایه الحکمه ، ص ۳۵۳.

^۲ - جوادی آملی ، تفسیر انسان به انسان ، ص ۶۴.

راهکارهای دستیابی به معرفت نفس از دیدگاه علامه جوادی آملی عبارتند از: ۱. کسب معرفت نفس
از طریق شناخت خدا (شناخت و حیانی) ۲. معرفت نفس با خود انسان (هویت شناسی) ۳. معرفت نفس از
راه آثار و لوازم و ۴. معرفت نفس از طریق بصیرت.

نتیجه گیری

دعوت به معرفت نفس، از تعالیم اصلی بسیاری از مکاتب دینی، فلسفی و عرفانی بوده است. در قرآن به راهکارهای دستیابی به معرفت نفس به عنوان برترین معرفت و کلید حکمت تأکید شده است. منظور از معرفت النفس شناخت حقیقت خویشتن و شناخت تمام ابعاد وجودی انسان است. معرفت نفس در شناخت و لقاء خداوند متعال و صعود نفس انسان از عالم مادی به عالم ماوراء نقش دارد؛ دغدغه و ضرورت انجام پژوهش در این است که باتوجه به آثاری که معرفت نفس برای انسان دارد و سهم معرفت نفس برای دستیابی و شناخت کمال مطلق بسیار مهم است لذا ضروری است که راهکارهای رسیدن به معرفت نفس را شناخت.

واژه «معرفت نفس» در قرآن به صراحت بیان نشده، اما علامه طباطبایی و علامه جوادی آملی، با توجه به مستندات قرآنی تعاریف و بحث های مرتبط با معرفت نفس را ذکر کرده اند؛ از دیدگاه علامه طباطبایی معرفت نفس یعنی «خودآگاهی» و «علم حضوری به خود» البته این خودآگاهی بر اساس شدت وضعف قیود عدمی نفس، دارای نقص و کمال است و از دیدگاه علامه جوادی آملی معرفت نفس اساس تمام علوم و معارف و کاملترین پایه و اساس تفکر در تمام حقایق نظام هستی است و با قدم نهادن در این راه، انسان می تواند به بام حقایق عالم راه یابد و از آن جا اسرار عالم را مشاهده کند. راهکارهای دستیابی به معرفت نفس از دیدگاه علامه طباطبایی عبارتند از: کسب معرفت نفس از آیات و نشانه های انفسی ۲. کسب معرفت نفس در پرتو شناخت قیوم و مقوم ۳. کسب معرفت نفس از تهذیب نفس.

راهکارهای دستیابی به معرفت نفس از دیدگاه علامه جوادی آملی عبارتند از: ۱. کسب معرفت نفس از طریق شناخت خدا (شناخت و حیانی) ۲. معرفت نفس با خود انسان (هویت شناسی) ۳. معرفت نفس از راه آثار و لوازم و ۴. معرفت نفس از طریق بصیرت.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن مجید، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی.

الف) منابع فارسی

۱. جوادى آملی ، تفسیر انسان به انسان، قم: نشر اسراء، چاپ ششم، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۲.، مراحل اخلاق در قرآن ، قم : مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۳.، تفسیر تسنیم ، قم : مرکز نشر اسراء ، ۱۳۸۰ هـ.ش .
۴.، عقل در هندسه معرفت دینی، قم : نشر اسراء ، ۱۳۸۵ هـ.ش .
۵.، انسان از آغاز تا انجام ، قم : نشر اسراء ، چاپ سوم ، ۱۳۹۰ هـ.ش.
۶.، تفسیر تسنیم ، قم : نشر اسراء، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۷.، توحید در قرآن، قم : نشر اسراء، ۱۳۹۵ هـ.ش.
۸.، حق و تکلیف در اسلام ، قم : نشر اسراء ، ۱۳۸۴، هـ.ش.
۹.، همتایی قرآن و اهل بیت (ع)، قم : نشر اسراء ، ۱۳۸۹، هـ.ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا ، تهران : نشر دانشگاه امیرکبیر ، ۱۳۷۸ هـ.ش .
۱۱. زمخشری، محمود ، مقدمه الادب ، تهران : دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۲. سعیدی ، گل بابا، فرهنگ جامع اصطلاحات عرفانی ابن عربی ، تهران : انتشارات زوار، ۱۳۸۷، هـ.ش.
۱۳. طباطبایی، شیعه در اسلام، انتشارات جامعه مدرسین، زمستان ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۴.، ترجمه تفسیر المیزان، تهران : نشر جامعه مدرسین ، ۱۳۷۷ هـ.ش .
۱۵.، ظهور شیعه، تهران : انتشارات فقیه و الست، ۱۳۶۰ هـ.ش.
۱۶.، انسان از آغاز تا انجام ، تهران : نشر دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۲ هـ.ش.

۱۷.نهایه الحکمه، تصحیح : عباسعلی زارعی سبزواری، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۴هـ.ق.
۱۸.، ترجمه بدایه الحکمه ، قم: نشر بوستان کتاب، ۱۳۸۲هـ.ش.
۱۹.رسالة الولاية، ترجمه همایون همتی، تهران : انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸هـ.ش.
۲۰. عمید، فرهنگ لغت عمید ، تهران : نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۴هـ.ش.

(ب) منابع عربی

۲۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: میر دامادی، جمال الدین، بیروت: نشر دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۱۶هـ.ق.
۲۲. ابن فارس، محمد بن ذکریا ، مقاییس اللغة، بیروت : دارالاحیاء التراث العربیه، ۱۴۰۸هـ.ق.
۲۳. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دارالعلم ، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ.ق.
۲۴. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، قم : نشر دارالفکر ، ۱۳۸۶هـ.ش.
۲۵. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه، چاپ اول ، ۱۴۱۴هـ.ق.
۲۶. طریحی ، فخرالدین، مجمع البحرین، بیروت : دارالعلم ، ۱۴۰۷هـ.ق.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر ، بیروت : دارالعلم ، ۱۴۱۴هـ.ق.
۲۸. مهنا، عبدالله علی، لسان اللسان، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۳هـ.ق.